

اساطیر و افسانه‌های اسلاوی

نوشتۀ ارغوان محرمی



به نام خداوند



اساطیر و افسانه‌های اسلاوی

نوشته

ارغوان محرمی



نگارستان اندیشه

تهران - ۱۴۰۱

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

محررمی، ارغوان، ۱۳۷۳
اساطیر و افسانه‌های اسلاوی / نوشته ارغوان محرمی
تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۱.

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
موضوع

مشخصات ظاهری: ۱۸۳ ص. ۱۴۰/۲۱×۵/۵ س. م.
9-33-7754-622-978
نمایه
کتابنامه

اساطیر اسلاوی. اسلاوها - تاریخ. Slavs -- History Mythology, Slavic

رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

۹۳۰B1
۱۷۱۲۲/۲۹۹
۸۷۳۰۱۴۵

اساطیر و افسانه‌های اسلاوی

نوشته: ارغوان محرمی

ناشر: نگارستان اندیشه

نمونه خوانی و نمایه سازی: وحید دریابیگی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: نصر

همه حقوق نشر، برای ناشر محفوظ است.

نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

آدرس: خ وحیدنظری، بن بست فرزانه، شماره ۱۱، واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ نمابر: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	خدایان کهن
۲۰	ایزدان اجدادی
۲۰	راد-روزانیکا
۲۷	دومووی
۳۰	دُماویچکا
۳۱	دُزُووی
۳۱	کی کی مورا
۳۳	آوینیک
۳۴	کورینی باگ
۳۵	دُلا
۳۵	خدایان مظاهر طبیعت
۳۷	آب
۶۴	آتش
۷۶	خاک

۸۶	هوا
۹۸	ایزدان سماوی
۹۸	خورس جاستراباگ
۹۸	زوریا
۱۰۱	ثنویت در اساطیر اسلاوی: خدای سفید و خدای سیاه
۱۰۸	پرون
۱۱۳	ولیس
۱۱۹	ایزدان قربانی
۱۲۰	لادا (لادا-لادو)
۱۲۱	مارزانا/مارنا
۱۲۳	یاریلو/یارویت
۱۲۹	خدایان منحصر به فرد اسلاوی
۱۲۹	تریگلاو
۱۳۱	اسوتوید/اسوتوید
۱۳۵	تقویم نگاری و جشن‌واره‌های اسلاوی
۱۳۶	بهار
۱۳۶	ماسلنیتسا
۱۳۹	کاراسنایا گورکا
۱۴۱	رادونیکا
۱۴۳	استرینینیا
۱۴۴	جشن‌واره سینت جورج مقدس
۱۴۶	هفته سبزیاسمیک

۱۴۹	کوملینی
۱۵۰	تابستان
۱۵۰	شب ایوان کوپالا
۱۵۵	روزپرون
۱۵۶	پاییز
۱۵۶	روز ایللیای مقدس
۱۵۶	روز موکوش
۱۵۷	زمستان
۱۵۷	کولیا دا
۱۵۹	دنیای پس از مرگ، ارواح ناپاک، دیوها و جادوگرها
۱۶۲	اوپر/وَمپر
۱۶۴	استرگا
۱۶۵	پلوتنیکا/پلوتنیتسا
۱۶۶	پُلویک
۱۶۶	ایزمورا/مارا
۱۶۸	بابای
۱۶۸	لیخارادکا
۱۶۸	جادوگران
۱۷۰	ودما
۱۷۳	کولدون
۱۷۹	فهرست منابع

پیش‌گفتار

اسطوره را شاید بتوان ارزشمندترین میراث برجا مانده از گذشته و خلق آن را بزرگترین محصول فکری انسان دانست. انسان صرف نظر از جغرافیای مکانی و تفاوت‌های زبانی، در هر کجا که بوده، در پاسخ به نیازهای معنوی و ارضای حس کنجکاوی خود به اسطوره‌ها پناه بسته است؛ به این ترتیب اسطوره را می‌توان فصل مشترک اینا بشر دانست که با تفاوت‌هایی متاثر از محیط‌های جغرافیایی و تجربیات زیست، در بین تمامی اقوام، ملل و سرزمین‌ها رواج داشته و تا امروز دوام یافته است.

در حالی که پژوهش‌های گسترده‌ای بر روی اسطوره‌های مللی چون ایرانیان، یونانیان، هندی‌ها و حتی اساطیر اقوام اروپای شمالی و مرکزی صورت گرفته، اسطوره‌های اقوام اسلاو، با وجود وسعت چشمگیر جمعیتی و پهنه گسترده سکونت، مورد کم‌توجهی پژوهشگران، خصوصاً متخصصان اساطیر هندواروپایی قرار گرفته است و تلاش‌هایی محدود از سوی زبان‌شناسان، مورخین و باستان‌شناسان درباره این اساطیر صورت گرفته که اگرچه راهگشا، ارزشمند و با اصول علمی بوده اما در مقایسه با حجم پژوهش‌ها و تالیفات در زمینه دیگر اساطیر بسیار محدود است و مسیری طولانی تا کمال و غنا در پیش دارد.

در این میان، تلاش‌ها در جهت آشنایی فارسی‌زبانان با اساطیر و

افسانه‌های اقوام اسلاو، بسیار محدودتر بوده و به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسد. از منابع موجود به زبان فارسی، نخست می‌توان به کتاب «اساطیر روسی» اثر الیزابت وارنر^۱ به ترجمه عباس مخبر اشاره داشت. این کتاب را شاید بتوان بهترین اثر موجود در این زمینه به زبان فارسی دانست. روش وارنر در این کتاب، تنها پرداخت به اسطوره‌های حوضه اسلاوهای شرقی و اساطیری است که بر مبنای متون کهن و آثار باستان‌شناسی قابلیت تایید دارند به همین جهت در این کتاب توجه کمی به دیگر ایزدان مورد پرستش اقوام اسلاو، خصوصاً اسلاوهای جنوبی و همچنین روایات و باورهای عامیانه که مهمترین منابع در شناخت نوع تفکر و جهان بینی این اقوام هستند، شده است. از دیگر منابع فارسی می‌توان به کتاب «دانشنامه اساطیر جهان» اثر رکس وارنر^۲ و ترجمه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور اشاره داشت که در آن در مدخلی کوتاه به معرفی اجمالی اساطیر اسلاو پرداخته شده است و در نهایت مقاله‌ای از یگانه شیخ الاسلامی که با عنوان «بررسی تطبیقی اساطیر ایزدان ایران باستان و خدایان مجمع ولادیمیر» انتشار یافته است. لذا کمبود کار پژوهشی جامع در این حوزه، نگارنده را واداشت تا حاصل پژوهش‌های خود در چند سال اخیر را به صورت مجموعه‌ای برای استفاده دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان به حوزه اساطیر و ادبیات اسلاوی درآورد.

سیاست نگارنده در این پژوهش، ابتدا آشنایی خوانندگان با جهان‌شناسی و مفاهیم مشترک بین اقوام اسلاو اعم از اسلاوهای شرقی، غربی،

1. Elizabeth Warner

2. Rex Warner

جنوبی و سپس آشنایی با افسانه‌ها، قهرمانان و موجودات ماورالطبیعه در افکار و اعتقادات آنان بوده که ریشه در باورهای کهن دارند. لذا با توجه به ماهیت خاص این اساطیر که فاقد مجموعه‌ای منظم و منسجم از اعتقادات و باورها هستند، ضمن استفاده از منابع اصلی و کهن و همچنین پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، در شکل‌گیری این پژوهش، از روایات موجود در فرهنگ عامه استفاده شده است و بخشی از محتوای این اثر، به صورت مستقیم از طریق تجربه زیست در سرزمین‌های اسلاوی و همچنین مصاحبه با آشنایان و همکاران بومی این سرزمین‌ها جمع‌آوری یا تایید شده است.

در نگارش کتاب اهتمام بر آن بود که از مسائل زبان‌شناسی تا حد امکان به جهت اختلافات موجود در مجامع علمی و همچنین نداشتن تخصص در این زمینه اجتناب شود و آن چه در این مضمون در متن کتاب مشاهده می‌شود مورد تایید و توافق مجامع علمی و با اهتمام و کوشش سرکار خانوم مهسا کاظمی، کارشناس زبان‌های باستانی صورت گرفته است. همچنین سعی بر آن بوده است که از ضبط اسامی و نام‌ها به خط سیریلیک اجتناب شود و تمامی نام‌ها در متن به زبان فارسی نگاشته شده و تلفظ صحیح هریک، با الفبای آوانگار در پاورقی آورده شده است. در متن کتاب در توضیح اساطیر و افسانه‌های ملل اسلاو سعی شده است تا بررسی‌ای تطبیقی از این اساطیر با دیگر اسطوره‌های ملل به دست داده شود اما این بررسی به دور از هرگونه ادعای انتقال و تأثیریکی بر دیگری و نیازمند شواهد زبان‌شناسی متقنی است که از عهده این پژوهش خارج بوده و تنها در جهت آشنایی اذهان خوانندگان فارسی زبان است.

تقسیم بندی‌های هربخش با دقت و بر مبنای اهمیت موضوعی صورت گرفته است و از دسته بندی الفبایی رایج در کتب اسطوره شناسی به جهت کاربردی نبودن اجتناب شده است.

در پایان تشکرویه‌ای دارم از تمامی دوستان و همکارانی که در مسیر این پژوهش، دلسوزانه یاری رساندند به ویژه از خانم الگا استرایانوف که در ترجمه بسیاری از متون مرا همراهی کردند و سرکار خانوم مهسا کاظمی که با کوشش فراوان، در کار ریشه شناسی اسامی و نام‌ها مرا یاری نمودند و در پایان از جناب آقای دکتر پیمان زینتی که در به دست آوردن نسخ و کتب کم یاب خارج از کشور مساعدت نمودند.

مقدمه

اسلاو^۱ نام یکی از بزرگترین جمعیت‌های زبانی است که امروزه در منطقه وسیعی از آسیای میانه تا سبیری و اروپای مرکزی پراکنده هستند، اما امروزه، مراکز تجمع این اقوام را می‌توان عمدتاً در اروپای شرقی و منطقه بالکان دانست. اقوام اسلاو بیش از آن که به واسطه نژاد و یا خون به عنوان یک مجموعه در نظر گرفته شوند، به واسطه اشتراکات فرهنگی و زبانی مجموعه‌ای را شکل می‌دهند که در عین تفاوت‌های آشکار، اشتراکاتی بس روشن و محکم دارند.

درباره پیشینه، چگونگی پیدایش و مهاجرت این اقوام به سرزمین‌های کنونی خود و آمیختگی این اقوام با دیگر اقوام هندواروپایی خصوصاً اقوام ایرانی سکایی یا سرمتی سخنان بسیاری رفته است و تلاش‌های متعدد زبان‌شناسی و باستان‌شناسی برای اثبات آن صورت گرفته است؛ اما آن چه بدون شک می‌توان آن را پذیرفت آن است که این اقوام پس از ورود و سکنی در این مناطق وسیع در حدود قرن دوم میلادی به دو شعبه اسلاوهای شرقی و اسلاوهای غربی تقسیم شده و در حوالی قرن پنجم میلادی اسلاوهای شرقی خود به دو دسته اسلاوهای شمالی و جنوبی تقسیم شدند و در همین دوره طوایف مختلف از جنوب به سوی شمال

حرکت کرده و در کناره‌های رود بوگ^۱ و دنیپیر^۲ و شعب آن پریپیات^۳ و دسنا^۴ سکنی گزیدند و برخی دیگر تا سواحل رود اوکا^۵ و کرانه‌های دریای سیاه و دریای آزوف^۶ تا سواحل رود دن^۷ پیش رفتند. این طوایف مختلف، بسته به اقتضای محیط خود شبان یا بزرگ‌بوده و به طبع، به اقتضای چنین زندگی‌ای، اجتماعی پدرسالار داشتند که پدر ریاست خانواده و مجمعی از روسای طوایف سرنوشت هر قبیله را بر عهده داشتند. در همین دوران، این اقوام به پرستش قوای طبیعی مانند خورشید، ابر، باران، تندر و هرآنچه که در زندگی آمیخته با طبیعت آنان تأثیری مثبت یا منفی می‌گذاشت روی آوردند که بسیاری از نمادهای باقی مانده در فرهنگ امروزه این مردمان، یادگار این دوران تاریخی است که قوای طبیعت، کانون خانواده و حمایت اعضای طایفه و قبیله از یکدیگر که متضمن بقا بود، بیش از هر چیزی اهمیت داشت.^۸

طوایف اسلاو تا مدت‌های طولانی دولت تشکیل نداده و به صورت محلی توسط امیران یا روسای قبایل اداره می‌شدند که پیوسته در نزاع با یکدیگر بودند؛ گاه صورتی از وابستگی به دیگر حکومت‌های بزرگ در همسایگی آنان نیز رخ می‌داد، به عنوان مثال می‌توان به وابستگی طوایف

-
1. Pivdennyi Buh River
 2. Dnieper River
 3. Pripyat River
 4. Desna River
 5. Oka River
 6. Sea of Azov
 7. Don River

۸. رجوع کنید به:

نفیسی، سعید (۱۳۶۷) تاریخ ادبیات روسی، تهران: دانشگاه تهران

جنوبی به ترکان خزر و خراج‌گزار آنان و یا وابستگی برخی طوایف شمالی به اقوام وارنگی^۱ اشاره کرد؛ لذا انسجام این اقوام تحت لوای یک حکومت و تشکیل دولت تا زمان ورود اقوام وارنگی به تعویق افتاد. با ورود این اقوام در قرن نهم میلادی به سرزمین‌های اسلاو، برای نخستین بار شاهد روی آوردن گسترده اقوام اسلاو به شهرنشینی، انسجام جمعیتی و تجارت و ارتباط گسترده با دیگر ملل و سرزمین‌ها هستیم.

در واقع با تصرف کیف^۲ در سال ۸۲۲ میلادی، نخستین دولت در این سرزمین‌ها شکل گرفت که اگرچه ماهیتی بیگانه داشت اما به سرعت تحت تاثیر فرهنگ اسلاوی قرار گرفت و با آن درآمیخت. تاسیس سلسله روس‌های کیف نه تنها اقوام اسلاو را از جهت سیاسی به اتحاد نزدیک کرد بلکه از لحاظ یگانگی اعتقادی و مذهبی نیز بر اقوام اسلاو موثر واقع شد چنان که می‌توان به روشنی تلاش ولادیمیر بزرگ^۳ را برای ایجاد مجمعی از خدایان، برای رفع اختلافات مذهبی میان قبایل و طوایف مختلف اسلاو مشاهده کرد و تحت حمایت همین سلسله بود که وقایع نگاری‌هایی هرچند پراکنده، امروزه در دست ما باقی است که می‌توان از خلال آن‌ها به برخی از اعتقادات و باورهای این اقوام پی برد.^۴

بنابراین، گردآوری مجموعه‌ای منظم از اعتقادات و جهان بینی اسلاوها به جهت این اختلافات و سیر متفاوت زیست هریک از این اقوام، کاری بس دشوار است و به جهت محدود بودن منابع در جهت تایید آن‌ها

1. Varangians

2. Kiev

3. Vladimir the Great

۴. رجوع کنید به: رشتیانی، گودرز؛ عبدالتاجدینی، ناهید (۱۳۹۹) تاریخ روسیه از آغاز تا روزگار معاصر، تهران: نگارستان اندیشه

در بیشتر موارد متعلق به حوزه نظریه است. نکته‌ای که در خصوص اساطیر اسلاوی باید همواره به آن توجه داشت آن است که اسلاوها برخلاف دیگر اقوام هندواروپایی چون یونانیان، ایرانیان و یا هندی‌ها فاقد شکلی نظام‌مند و منسجم از اساطیر هستند، مانند آنچه ما در وداها یا اوستا شاهد آن هستیم. این مسئله یکی از بزرگترین موانع مطالعات اسطوره‌شناسی اسلاوی است. برخی از پژوهشگران روی آوردن دیرتر این اقوام به کتابت یا گذر نکردن اساطیر اسلاوی از فیلتر ادیان و انسجام نیافتن توسط آن را علت این موضوع می‌دانند، اما باید توجه داشت شواهدی از کتابت در دوران کهن میان اقوام اسلاو وجود دارد و بنظر نمی‌رسد با وجود ارتباط گسترده این اقوام با دیگر سرزمین‌هایی که کتابت در آن رواج داشته است به اختراع یا استقراض خط دست نزده باشند اما این امکان وجود دارد که بر مبنای سنت شفاهی که از ویژگی‌های بارز اقوام هندواروپایی است اساطیر را به نوشتار در نیاورده و ارزش حفظ آن را در انتقال سینه به سینه آن می‌دانستند چنان که در مورد کتابت اوستا در ایران این موضوع صادق است. نکته دوم نیز صحیح به نظر نمی‌رسد. چرا که اعتقادات کفرکشی ملل اسلاو پس از ورود و پذیرش مسیحیت در این سرزمین‌ها از فیلتر کلیسا و معتقدات دینی گذشته و به باورهای دوگانه انجامید. به این ترتیب خصوصاً در نواحی دورافتاده و روستاهای اسلاوی که از مزایای فرهنگی و تجاری مسیحیت سود کمتری می‌بردند، قدیسین و ویژگی‌های خدایان را به ارث برده و با وجود مخالفت‌های کلیسای ارتدکس، خدا خوانده می‌شدند، مراسم مذهبی کلیسا در کنار اعتقاد به جادو و توسل به قوای طبیعی صورت می‌گرفت و جشن‌های کفرکشی در زیر لایه‌ای از اعتقادات مسیحی با همان آیین‌های ریشه دار

برگذار می‌گشت. از سوی دیگر تذکر این نکته ضروری است که یکی از مهم‌ترین عوامل برجا نماندن متون کهن اسلاوها، تلاش‌های خشونت‌آمیز و گسترده کلیسا در جهت محو کردن آثار کفرکشی در این سرزمین‌ها است. به جهت عوامل ذکر شده، منابعی که بتوان از طریق آن‌ها به نظام کیهان‌شناختی اسلاوی پی برد بسیار محدود است. این منابع در ابتدا غالباً شامل وقایع‌نگاری‌های بازمانده از سلسله روس‌های کیف، و سپس خاطرات، گزارش‌ها، اعتراف‌نامه‌ها، رسالات و پرسش‌نامه‌های کلیسای ارتدکس مسیحی است که روایتی مغرضانه از این معتقدات به دست می‌دهند که فاقد بازه زمانی، اطلاعات جغرافیایی و مطالبی دقیق از آیین‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم بوده و بیشتر جنبه تقبیحی دارند؛ اما به غیر از این منابع، منابع قوم‌نگاری خصوصاً روایات عامیانه که در قالب داستان، شعر، نمایش و یا امثال‌تبلور یافته است خصوصاً در شناخت ایزدان طبیعی و اجدادی که با زندگی عامه مردم بیشتر در تماس بودند مفید فایده است.

از جمله این منابع وسیع که به صورت مکتوب درآمده‌اند می‌توان نخست به بایلیچکی^۱ اشاره کرد که روایتگر زندگی انسان و موجودات ماورالطبیعه و دنیای قدسی و مینویی در زندگی روزمره است که رد پای اعتقادات کهن را به وضوح در آن‌ها می‌توان دید. این قصه‌ها حتی امروزه نیز در بین مردم رایج بوده و هیولاها، ارواح خبیثه و نیروهای ماورایی در جای جای زندگی مردمان اسلاو جای دارند. مجموعه داستان‌های عامیانه یا شازکی^۲ نیز که فاقد بعد معنوی و قدسی هستند، شکل تغییر

1. Bylichki (Baylichka)

2. Shazki (Shazka)

یافته تری از رسوم و اعتقادات کهن را نمایش می‌دهند. اما در بین منابع اصیل اسلاوی شاید جالترین را بتوان بایلینی^۱ دانست که نمایان‌گر روح حماسه در میان اقوام اسلاو بوده و به کردارها و اعمال قهرمانانه و پهلوانانه قهرمانان دوران روس‌های کیف اختصاص دارد. این منبع ارزشمند مانند شاهنامه فردوسی، آمیخته‌ای از اساطیر و حقایق تاریخی سرزمین‌ها و اقوام اسلاو است که در تحقیقات اسطوره‌شناسی بسیار حائز اهمیت است.

خدایان کهن

پرستش طبیعت و نیروهای درون آن، ویژگی اصلی حاکم بر کفرکیشی^۱ اسلاوی است. ایزدان کهن این اقوام را مانند بسیاری دیگر، می‌توان ایزدانی دانست که با نیازهای ابتدایی آنان در ارتباط بودند و از دو حوزه فراتر نمی‌رفتند، نخست حوزه طبیعت و نیروهای حاکم بر آن که به نحوی بارز بر زندگی روزمره شبانی و یا کشاورزی آنان تاثیر می‌گذاشت و دیگر حوزه خانواده و زندگی قبیله‌ای که رشته ارتباط اجتماعی افراد را مشخص می‌ساخت و ضامن حیات و بقای فرد در جامعه بود. بنابراین بیشتر ایزدان کهن اسلاوی، ایزدان مظاهر طبیعت مانند آب، باد و یا خورشید و یا ایزدانی هستند که با کانون خانواده و ارواح اجدادی ارتباط دارند و به ندرت میتوان سطح بالاتری از اسطوره‌شناسی یعنی خدایانی با اهمیت‌های سیاسی، نظامی، قضایی و اجتماعی در روایات متقدم‌تر این اقوام یافت.

در این بخش به بررسی ایزدانی پرداخته شده است که نماینده چنین تفکری بوده و با گذر زمان یا از ساحت اسطوره محویا با ویژگی‌هایی دیگر در قالبی متفاوت، از نوزاده شده‌اند.

ایزدان اجدادی

کهن‌ترین ایزدان اسلاوی را شاید بتوان ایزدان اجدادی دانست که بی شک، با تفاوت‌هایی در سراسر قلمرو وسیع اسلاوها مورد پرستش و احترام قرار می‌گرفتند. این ایزدان که نگهبان و محافظ محیط و اعضای خانواده بودند در اساطیر اسلاوی گاه به صورت دو ایزد مجزای زن و مرد که نماینده اجداد مادری و پدری بودند و گاه یک ایزد/ایزدبانو با دو نیمه زنانه و مردانه (آنیما و آنیموس) تصور می‌شدند.

ایزدان اجدادی یا خانگی را می‌توان متعلق به دوره‌ای دانست که هنوز اتحادهای قبیله‌ای وسیع و یا اثری از شکل‌گیری حکومت‌های ملی یا مذهبی وجود نداشت؛ به این ترتیب همه چیز محدود به محدوده قبیله، طایفه و خانواده بود.

راد-روزانیکا^۱

راد، بزرگ خداوند کیهان و آفریننده جهان و مخلوقات در اساطیر اسلاوی است که دیگر ایزدان جلوه‌هایی از مظاهر او هستند و در یک نظام سلسله مراتبی، فرزندان او محسوب می‌گردند. نام او از ریشه *rod** به معنای تولد و زایش گرفته شده است و براین مبنا، برخی از محققان او را از جمله ایزدان نگهبان خانواده و ارواح نیاکان می‌دانند. کهن‌ترین منبعی که در آن از راد یاد می‌شود، متنی متعلق به قرن یازدهم میلادی منسوب به سینت گریگوری^۲ از واعظان مسیحی است که در شرح آداب و رسوم برگزاری مراسم عبادی بت پرستان اسلاوی، از خدایی به این نام یاد می‌کند که

1. Rod—Rozanica

2. Gregory the Illuminator

مردمان اسلاو او را حامی خود و عامل زاینده‌گی و زایش می‌دانند. متأسفانه این اثر، اطلاعاتی پراکنده و ناقص از نحوه برگزاری مراسم پرستش او از جمله نذورات و سرودها به دست می‌دهد و بیشتر اهتمام خود را به مانند بیشتر متون نوشته شده توسط پیروان و خادمان کلیسای ارتدکس، صرف نکوهش این اعتقادات به زعم او پلید می‌کند اما جالب آن که با این وجود، شواهدی از وجود این اعتقادات تا نیمه قرن شانزدهم میلادی در سرزمین‌های اسلاوی در اعتراف نامه‌های کلیسای ارتدکس موجود است.^۱

اما در کتاب هلمولد^۲ که مهمترین منبع خارجی در شناخت اساطیر اسلاوی است از *راد* به عنوان خدایی یگانه یاد می‌شود که جهان و دیگر ایزدان آفریده او هستند و حاکمیت وی را بر خود قبول دارند، اما این خدا به امور مینویی و آسمانی مشغول بوده و توجهی به امور جهان مادی ندارد و آن را به متولیان خود (دیگرایزدان) واگذار کرده است.^۳ چنین توصیفی از *راد*، وی را مانند کروئوس^۴ یونانی و زُروران در اندیشه‌های زُروانی در زمره خدایان عاطل قرار می‌دهد که پس از فراغت از کار آفرینش جهان آن را به حال خود گذاشته و کمتر به آن مشغول می‌شوند و به طبع، پرستندگان آنان

۱. رجوع کنید به:

Strzelczyk, Jerzy (2007) *Mity, podania i wierzenia dawnych Słowian*. Poznań: Rebis

Ivantis, Linda (1989) *Russian folk blief*. New York: m.e. sharpening

2. Helmold

۳. رجوع کنید به:

Helmond (2010) *Helmoldi Presbyteri Chronica Slavorum* 1868. kessinger publishing llc

4. Cronus

با ایجاد واسطه‌هایی (دیگرایزدان) نذورات و خواسته‌های خود را به گوش آن‌ها می‌رسانند. *راد* در تصویرنگاری‌ها عموماً به صورت پیرمردی ایستاده بر ماهی (سمبل آب) در حالی که بر یک دست نماد چرخ (سمبل خورشید و آتش) و در دست دیگر، گل‌های بهاری (نماد زمین شکوفا و خاک) و بر کمر خود ریان قرمز موج خورده‌ای در باد (نماد هوا) دارد، تصویر می‌شود که نشان دهنده تسلط او بر چهار عنصر زندگی بخش است.

بوریس ریباکوف^۱ مورخ مشهور روسی، *راد* را نوعی از رئیس-خدایان رایج در جوامع کشاورزی در هزاره اول پیش از میلاد می‌داند که در گذر زمان، در مقابل دیگرایزدان قدرت و پایگاه خود را از دست داده و به همین جهت نامی از او در مجمع خدایان ولادیمیر مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد ریباکوف متن به جا مانده از سنت گریگوری و اظهارات او را مبنای اصلی نظریه خود قرار داده و بر این اساس، گذر از پرستش *راد* به *پرون*^۲ را، گذر اعتقادات از مرحله آنیسم^۳ به هنوتیسم^۴ می‌داند؛ به این ترتیب وی *راد* را خدای برتر و اصیل اسلاوها دانسته که تنها پس از اصلاحات دینی ولادیمیر، با *پرون*^۵ جایگزین می‌گردد. اما نیکولای زوبوف^۶ بر مبنای شواهد گسترده از اعتقاد به *پرون* در سرزمین‌های مختلف اسلاوها حتی پیش از سلطنت ولادیمیر در کیف، *پرون* را خدای اصلی مورد پرستش اسلاوها معرفی می‌کند و گسترش آیین پرستش *راد* را در بین

1. Boris Rybakov

2. Perun

3. Animism

4. henotheism

5. Perun

6. Nikolay Zubov

اسلاوهای شرقی، پس از گسترش و رواج مسیحیت در این مناطق می‌داند.^۱

بر اساس یافته‌های هالینیا لوسک^۲ به نظر می‌رسد مراسم ویژه راد در تاریخ ۲۳ دسامبر^۳ برگزار می‌شده است که در آن علاوه بر رقص و پایکوبی، قربانی‌های غیرخونین مانند نان، عسل و یا غلات توسط پدر خانواده که به نوعی پیش از شکل‌گیری نقش‌ولک‌ها^۴، وظایف مذهبی و ریاست خانواده را برعهده داشت به راد تقدیم می‌گشت.^۵ اما شاید بتوان تعطیلات مذهبی ارتدکس مانند روز مردگان، سه شنبه مقدس و یا رادونیکا^۶ (اولین پنجشنبه هفته اول بعد از عید پاک) را به نوعی با اندیشه‌های کهن اعتقاد به راد مرتبط دانست. خصوصاً تعطیلات رادونیکا یا رادونیتسا^۷ به جهت در برداشتن رسوماتی مانند سرزدن به قبور اجداد، دیدو بازدید از اقوام و دادن هدایا به یکدیگر و به نوعی تحکیم روابط خانوادگی و اکرام نیاکان، ارتباطی انکارناپذیر با آیین پرستش راد دارد؛ اگرچه به گونه‌ای متفاوت تحت تاثیر تقویم لاتین و تفکر مسیحی قرار گرفته است.

۱. رجوع کنید به:

Бесков, Андрей (2015) Язычество восточных славян. От древности к современности. РГНФ. NO15

2. Halynaa Losk

3. December

۴. Volkh لقب روحانیون باستانی کفرکیشان اسلاوی است که امروزه نیز نقش فعالی در جامعه پیروان مذاهب بومی و جنبش‌های بازگشت به فرهنگ اسلاوی کهن دارند.

۵. رجوع کنید به:

• Lozko. Halina (1997) Rodzima wiara ukraińska. Warsaw: Toporzel

6. Radonica

7. Radonitsa